

به نام خدا

**درس:** خارج فقه استاد طائب (جلسه سیزدهم)

**موضوع:** مبحث جهاد و دفاع (دفاع بیولوژیک)

**تاریخ:** چهارشنبه، ۱۳۹۹/۰۲/۱۷

**متن کامل؛**

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى أَشْرَفِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ حَبِيبِ آلِهِ الْعَالَمِينَ  
أَبُو الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمَعْصُومِينَ وَ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ  
رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي \* وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي \* وَ احْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي \* يَفْقَهُوا قَوْلِي ۱

بحث در فروش ادوات و ابزار دفاع در برابر تهاجم زیستی به کشورهای غیر مسلمان یا مسلمانان بود که حکومت‌هایشان مخالف اندیشه و فکر حکومت ما هستند. فروش ابزار دفاعی اعم از داروها، لوازم پیش‌گیری و ابزار آزمایش چه حکمی دارد؟ در فقه، این فروش به منزله فروش سلاح به اعداء الله است. دلیل اینکه، اگرچه در عرف سلاح به ابزاری که با آن ضربه می‌زنند گفته می‌شود، اما دارو و امثال آن استفاده کشتاری ندارد ولی به آن تجهیزات می‌گویند. باید رزمنده سلاح و تجهیزات جنگی به دنبال داشته باشد. فانسخه از تجهیزات جنگی و اسلحه سلاح جنگی به حساب می‌آید. در روایات فروختن سلاح مطرح شده و به قرائنی که در متن حدیث وجود دارد فروختن سلاح اعم از سلاح و تجهیزات ذکر شده، یعنی شامل زره و کمر بند و سپر می‌شود. این وسایل سلاح نیست ولی تجهیزاتی است که در جنگ به کار می‌رود. این مسائل جزو فروختن سلاح آمده است. در این بحث، ما با تسامح اعداء الله را با کفار برابر می‌گیریم. بعداً بیان می‌کنیم که اعداء الله مرادف با کفار نیست؛ بنابراین این دو یکی نیستند و در آینده وجه آن را بیان می‌کنیم.

۱. سوره طه، آیه ۲۵-۲۸.

بیان شد که زره و سپر و تجهیزات جزو سلاح قرار می‌گیرد. تردیدی نیست که فروش سلاح مثل زره و سپر به نیرویی که در جنگ با مسلمانان است، به هر صورتی شرعاً، قانوناً و فطرتاً ممنوع است. فطرت و عقل می‌گویند که این کار را انجام ندهید چون اگر به کسی که می‌خواهد به شما حمله کند، سلاح بدهید به شما حمله می‌کند و دفع ضرر عقلاً لازم است و شرعاً، حکم عقل را امضا می‌کند. حتی بیان شده که دفع ضرر احتمالی هم لازم است یعنی اگر جایی احتمال ضرر داده شود، عقل می‌گوید که آدمی از این مسیر نرود. شرع هم می‌گوید دفع ضرر محتمل واجب است. اگر به کسی سلاح بفروشیم که با مسلمانان می‌جنگد، به ضرر خودمان اقدام کرده‌ایم. عقل می‌گوید این کار غلط است و شرع می‌گوید نباید این کار را انجام دهید. پس شکی نیست که فروش ابزار جنگی به کسی که با ما می‌جنگد حرام است. بعضی از فقها گفته‌اند فروش سلاح حرام است.

حکم فروش مواد اولیهٔ سلاح، به کشوری که با ما در حال جنگ است چیست؟ بعضی گفته‌اند ایرادی ندارد ولی گروهی هم می‌گویند حرام است. فرض کنید که به کشور حربی آهن بفروشیم. او آهن را تبدیل به سلاح می‌کند. اگر به ادلهٔ حرمت فروش سلاح دقت کنیم می‌بینیم همهٔ ابعاد مربوط به سلاح را حرام کرده است. یکی از آنها تعاون بر اثم و عدوان است «وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ»<sup>۱</sup> عمل کسی که به ما حمله کرده اثم و عدوان است. اگر به او سلاح بدهیم مصداق تعاون است. اگر به او آهن بفروشیم و او آهن را بفروشد این مسئله مصداق تعاون به حساب می‌آید. همهٔ عقلاً هم می‌گویند که فروش آهن مصداق تعاون است. درست است که آهن ساخته نشده، اما شما می‌دانید که دشمن با این آهن سلاح می‌سازد. بنابراین هر کاری که به دشمن کمک کند در تحریم قرار می‌گیرد. در نبرد زیستی، دشمن مبتلا شده است. اگر ما دوا و ابزار دفاعی را به دشمن بدهیم و دشمن این ابزار را به سربازانی بدهد که می‌خواهند در جنگ با ما شرکت کنند، فروش این ابزار به دشمن حرام است. بنابراین فروش هر ابزاری که به حملهٔ دشمن کمک کند، حرام است. آیا این حمله حتماً به ما باشد.

۱. سورهٔ مائده، آیهٔ ۲.

نیاز است که کلمه «ما» را توسعه دهیم. سند روایت ابوبکر حضرمی اشکال دارد ولی مؤید عمل به شهرت است.<sup>۱</sup> در روایت بیان شده که ابوبکر حضرمی گفت که قبلاً به منطقه شام اسلحه می فروخته‌م. در آن زمان منصور دوانیقی در منطقه شام مستقر بود. شام منطقه آنها بود و اسلحه‌های فروخته شده به سربازان حکومت داده می شد و آنها بدین باور بودند که در جهاد می توان به رومی ها حمله مستقیم کرد. ابوبکر حضرمی گفت که قبلاً به آنها اسلحه می فروخته‌م و حکومت آنها را قبول داشتم. الان مُتَنَبِّه شدم و شما را امام و برحق می دانم. کار من فروش اسلحه است، آیا می توانم به آنها سلاح بفروشم؟ حضرت فرمودند اشکالی ندارد به آنها سلاح بفروش چون آنها سلاح‌ها را علیه دشمن مشترک به کار می برند. این روایت به دو نکته اشاره دارد، یکی اینکه فروش سلاح به دشمن مسلمانان حرام است. مهم این است که حق کیست وگرنه بر حرام بودن فروش سلاح به دشمن حق اجماع شده است. شیعه و سنی بر این مسئله اتفاق نظر دارند. ابوبکر حضرمی پیش تر سنی بوده و به حکومت شام سلاح می فروخته است. او بیان می کند که قبلاً مشکلی برای فروش سلاح نداشتم، اما الان با مشکل مواجه شدم، بعد حضرت راهنمایی می کنند. ابوبکر حضرمی حکم اجماعی را می دانسته که فروختن سلاح به دشمن حرام است. قبلاً ابوبکر حضرمی، منصور دوانیقی را دشمن حق نمی دانسته بلکه حق می دانسته؛ بنابراین فروش سلاح، به منزله فروش سلاح به دشمن حق نیست. الان متوجه شده که امام صادق علیه السلام حق است، پس فروختن سلاح به منصور، مثل فروختن سلاح به ضد حق است. اصل فروختن سلاح به ناحق حرام است. بنابراین وقتی ابوبکر حضرمی از امام صادق علیه السلام سؤال کردند، ایشان به ارتکاذ او دست نزدند. ارتکاذ را تأیید کردند که حق نداری به دشمنان دین سلاح بفروشی، اما فروش اسلحه به آنها، فروش سلاح به اعداء الله به حساب نمی آید چون آنها سلاح را علیه مسلمانان به کار نمی برند بلکه سلاح را علیه دشمنی به کار می برند که دشمن مسلمانان و دشمن آنهاست. از این روایت استفاده می شود که فروش سلاح به دشمن که علیه حق اقدام می کند حرام است. پس ارتکاذ به این صورت است. سؤال در اینجا به وجود می آید که آیا باید اعداء الله باشند یا کفر در این مسئله دخالت دارد یعنی ممکن است کسی

۱. کافی، ج ۵، ص ۱۱۲، بَابُ بَيْعِ السَّلَاحِ مِنْهُمْ ح ۱.

کافر باشد ولی اعداء نباشد. منصور دوانیقی دشمن امام صادق است، ولی او سلاح را برای دشمنی به کار نمی‌برد، یعنی علیه امام صادق علیه‌السلام عملیات نظامی انجام نمی‌دهد. پس عداوت او با امام صادق علیه‌السلام بالفعل و بالقوه در زمینه جنگی نیست، چون امام صادق علیه‌السلام لشکری ندارند. در ادامه حدیث حضرت فرمودند که اگر من حکومتی تشکیل دادم و مابینه حاصل شد یعنی اگر منصور دوانیقی در برابر امام صادق علیه‌السلام به نام اسلام حکومت تشکیل دهد و این مسئله باعث جنگ بالفعل شود، یعنی امام صادق علیه‌السلام در یک طرف و دشمن در طرف دیگر باشد، به آنها نمی‌توان سلاح فروخت.<sup>۱</sup>

از مطالبی که در جلسه گذشته و این جلسه بیان شد نتیجه می‌گیریم که فروش هر گونه سلاح به کافری که با ما می‌جنگد حرام است.

فروش تجهیزات به کافری که با مسلمانان جنگی ندارد، ایرادی ندارد.

فروش تجهیزات به مسلمانی که با ما در حال جنگ است، حرام است.

فروش تجهیزات به مسلمانی که با ما اختلاف دارند، ولی با کفاری می‌جنگند که دشمن مشترکمان هستند، اشکالی ندارد.

نبرد با ما به چه معناست؟ نبرد با ما به معنای نبرد با جمهوری اسلامی نیست، نبرد با ما به عنوان نبرد با مسلمانان است. بنابراین دادن تجهیزات دفاع زیستی به کسانی که با مسلمانان می‌جنگند، حرام است.

در اینجا نکته‌ای درباره تعاون بیان شد. بعضی فرمودند که تعاون بر جنس لازم نیست، بلکه نیت لازم است یعنی اگر شما داروی ضد هجوم را به این نیت به آنها می‌دهید که آنها سالم شوند و با مسلمانان بجنگند، فروش دارو حرام است. اگر فروش دارو به این نیت نباشد، مثلاً شخصی تاجر است و برای تجارت این عمل را انجام می‌دهد، فرض کنید به او بگویید که اگر شما به دشمن دارو بفروشید به او کمک کرده‌اید. تاجر به شما می‌گوید من به این نیت نمی‌فروشم، بلکه برای کسب

۱. «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ أَبِي بَكْرِ الْحَضْرَمِيِّ قَالَ: دَخَلْنَا عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فَقَالَ لَهُ حَكَمُ السَّرَّاجُ مَا تَرَى فِيمَنْ يَحْمَلُ السُّرُوحَ إِلَى الشَّامِ وَ أَدَانَهَا فَقَالَ لَا بَأْسَ أَنْتُمْ الْيَوْمَ بِمَنْزِلَةِ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ ص إِنَّكُمْ فِي هُدًى فَإِذَا كَانَتِ الْمُبَايَنَةُ حَرَمَ عَلَيْكُمْ أَنْ تَحْمِلُوا إِلَيْهِمُ السُّرُوحَ وَ السَّلَاحَ.» کافی، ج ۵، ص ۱۱۲.

سود این عمل را انجام می‌دهم. بعضی گفتند ایراد ندارد. ما می‌گوییم مسئله به این شکل نیست، قصد الاعانه هیچ دخالتی ندارد. سؤال بنده از کسانی که قصد را دخالت دادند این است که اگر اسلام می‌خواست به ما بگوید به آنها کمک نکنید، چطور باید می‌گفت. شما می‌گویید اسلام گفته به آنها به قصد کمک، کمک نکن. من می‌خواهم از شما بپرسم اگر اسلام می‌خواست طوری که قصد در آن دخالت نداشت مسئله را بیان کند، چگونه باید به ما می‌گفت؟ فرض بگیرید شما می‌خواهید به فرزندتان بگویید که در دزدی به همسایه‌تان کمک نکند چطوری این مسئله را بیان می‌کنید؟ به او می‌گویید اگر فلانی خواست دزدی کند به او کمک نکن. اگر همسایه بخواهد دزدی کند ولی پادر او مانع شود که از دیوار بالا برود و بچه‌اش را بداند که اگر به او دارو ندهد، همسایه نمی‌تواند از دیوار بالا برود، اما به او دارو بدهد، و او از دیوار بالا برود، آیا شما نمی‌گویید که چرا در دزدی به او کمک کردی؟ اگر بچه‌اش را بگویید که در دزدی کمک نکردم، بلکه دوا فروش بودم و دیدم که او دوا را به قیمت خوبی می‌خرد، یقیناً شما به او می‌گویید که من به تو گفته بودم که به دزد کمک نکنی و با فروش دارو به همسایه کمک کردی تا دزدی کند. فرزند شما نیت کمک به دزد را نداشته ولی شما یقیناً او را می‌گیرید. خداوند متعال فرمود «وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانَ»<sup>۱</sup> در جایی که اثم و دشمنی است، کمک نکنید یعنی قصد دخالت ندارد، مهم این است که اگر فهمیده شود کسی قصد دشمنی دارد نباید به او کمک شود، ولو قصد خیر باشد. در این آیه بیان شده که عدوان تحقق پیدا نکند. مهم این است که اعانه بر گناه صورت نگیرد. منظور این نیست که تحقق بر گناه به قصد گناه تحقق پیدا نکند، بلکه هدف اسلام این است که گناه نشود. یکی از راه‌های تحقق گناه این است که شما به او کمک کنید، اگر کمک به او مسلتزم دادن جنس به او باشد، اسلام دادن جنس را به او نهی کرده ولو اینکه نیت شما تحقق اثم نیست، اما اسلام در اینجا به دنبال عدم تحقق اثم است و به شما سفارش کرده که جنس را به او نفرروشید. او کاری ندارد که نیت شما چیست، شما نهی شدید که به اثم کمک نکنید ولو نیت شما چیز دیگری باشد.

۱. سوره مائده، آیه ۲.

در اینجا مسئله‌ای مطرح می‌شود. شخصی وارد می‌شود و با دشمن تجارت می‌کند ولی نمی‌داند جنسی که به آنها می‌فروشد، در راه خطا استفاده می‌کنند، بعداً به تاجر می‌گویند که جنسی را که به دشمن فروختی در راه خطا استفاده شده است. او می‌گوید من نمی‌دانستم. این فرد معذور است اگرچه کمک به اثم تحقق پیدا کرده باشد. اعانه تحقق پیدا کرده ولی چون فروشنده به این مطلب جاهل بوده در تحقق موضوع معذور است نه اینکه قصد دخالت دارد. قصد دخالت ندارد. مهم این است که من بدانم که فعلی که انجام می‌دهم به ظلم کمک می‌کند، حتی اگر نیت فروش چیز دیگری باشد، فروش حرام و ممنوع است. بنابراین این حرف غلط است که می‌گویند فروش جنس به قصد فروش ایرادی ندارد اگرچه دشمن از آن جنس علیه خودمان سلاح بسازد و استفاده کند. واقع اعانه در خارج اتفاق افتاده و آیه مذکور واقع الاعانه را نهی می‌کند و می‌گوید نباید واقع الاعانه تحقق پیدا کند. بنابراین اگر فروش ابزار دفاعی اعانه محسوب شود حرام است؛ اگرچه ابزار دفاعی زیستی باشد. پیش‌تر بیان شد که عناوین ثانویه می‌تواند به حل مسئله کمک کند.

فروش سلاح به دشمن حرام است. اگر کسی گناه کند و به دشمن سلاح بفروشد آیا این پول برای اوست یا این پول مجهول‌المالک است و حق تصرف در آن ندارد؟ بعضی گفتند که حرمت تکلیفی است، مثل خرید و فروش در روز جمعه در زمان وجوب نماز جمعه. اگر زمانی نماز جمعه واجب باشد، نباید در زمان برگزاری نماز جمعه خرید و فروش انجام شود «یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ یَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَى ذِکْرِ اللَّهِ وَ ذَرُوا الْبَیْعَ ذَلِكُمْ خَیْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ»<sup>۱</sup> اگر کسی در زمان برگزاری جمعه چیزی بفروشد آیا بیع حرام است؟ نه، چون نهی تکلیفی است. با فروش بیع کار حرام انجام شده ولی پول آن برای فروشنده است.

آیا فروختن سلاح مانند بیع روز جمعه است، یا مانند قمار و ربا و فروش خمر می‌ماند؟ در شراب فروشی، کسی مالک نیست، چون بیع فاسد است، آیا در اینجا حرمت تکلیفی یا وضعی وجود دارد؟ مرحوم شهید و تعداد بسیاری از فقها فرمودند که حرمت تکلیفی و وضعی دارد. ظاهر ادله بیان می‌کند که کمک به دشمن حرام است، یعنی نباید جنس به او داده شود، یعنی اگر کسی جنسی را به

۱. سوره جمعه، آیه ۹.

دشمن بفروشد مالک سود آن نمی‌شود. به عبارت دیگر، اگر کسی سلاحی را از دشمن بگیرد آن را به عنوان غنیمت برمی‌دارد، چون دشمن با شروع حمله مالک آن سلاح نیست. اگر صلح شود، شما حق ندارید سلاح را به او دهید، چون از او سلب مالکیت شده است. پس نظر شارع این است که به دشمن سلاحی برای نبرد فروخته نشود. بنابراین کسانی که گفتند «أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ»<sup>۱</sup> است، اشتباه کردند؛ زیرا «أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ» جایی را شامل می‌شود که شارع محترم از ثمن و مثنی نهی نکرده باشد، ظاهر فروش سلاح به دشمن این است که مثنی در اختیار او قرار نگیرد نه اینکه فعل تحقق پیدا نکند. در روز جمعه بیان شده که خرید و فروش در زمان نماز جمعه کنار گذاشته شود، ولی بعد از نماز جمعه، خرید و فروش ایرادی ندارد، اما دادن سلاح به دشمن حرام است و نباید سلاح به دست او برسد. مسئله این نیست که در این زمان این کار انجام نشود، فروش سلاح در هر زمانی به دشمن حرام است یعنی فعل مورد نهی نیست جنس مورد نهی است. بنابراین اگر تاجر قاچاقچی اسلحه باشد و سلاح را به داعشی‌ها بفروشد و داعشی‌ها سلاح را استفاده کنند، یا ابزاری مثل چوب و آهن به آنها بفروشد که داعشی‌ها بتوانند از آن سلاح بسازند، کار حرام انجام داده است. فرض کنید تاجری چوب و آهن را به داعشی‌ها بفروشد، فروش مال به آنها سحت است و مالک پول نمی‌شود و کار حرام انجام داده است.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

منابع

قرآن کریم

کافی، کلینی، محمد بن یعقوب، ۳۲۹ ق، غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، کتب اربعه، عربی، ج ۸، دار الکتب الإسلامية، تهران، ایران، ۱۴۰۷ ق، چهارم.

۱. سوره بقره، آیه ۲۷۵.